

پدیدارشناسی تجربه گناهان جنسی

سعیده میرابی،* علی یوسفی،** غلامرضا صدیق اورعی***

چکیده

هدف اصلی نوشتار حاضر درک معانی نهفته در تجارب گناه جنسی و نحوه ساخته شدن اجتماعی این معانی است. نتایج تحلیل پدیدارشناختی تجربه گناه جنسی در بین هفت مشارکت‌کننده زن (ایرانی/ شیعه مذهب) که با جنس مخالف خود روابط جنسی خارج از پیمان ازدواج داشته‌اند نشان داد که اولاً تجربه گناه جنسی، که ابتدا از یک آشنایی و گفت‌وگوی ساده با جنس مخالف شروع می‌شود، در فاصله کوتاهی به معاشقه و همبستری می‌انجامد. ثانیاً قبل از انجام گناه و در اولین بار تجربه گناه جنسی، حس مقاومت در برابر گناه، ترس از گناه و سخت بودن انجام گناه تجربه می‌شود. ثالثاً درحین انجام گناه، خشنودی اولیه‌ای در فرد ایجاد می‌شود که احساس گناه این لذتها را به احساس عذاب‌آوری تبدیل می‌کند. حس خجالت، ناراحتی و ترس (ترس از عقوبت خداوند و فاش شدن گناه) ازجمله احساسات حین گناه هستند. پس از انجام گناه نیز، بازاندیشی و تردید درباب عمل گناه و به دنبال آن فشارهای درونی و پشیمانی ظاهر می‌شود. این فشارها خود را به صورت احساسات غریب و ناخوشایند، ناراحتی، خیانت، تحقیرشدگی، پشیمانی و عذاب وجدان نشان می‌دهد که عذاب وجدان شایع‌ترین آنهاست و این عذاب وجدان پس از گناه سبب می‌شود که اغلب افراد برای کاهش این فشار به توبه، انابه و توجیه خود رو آورند. صیغه خواندن، ابراز قصد ازدواج و امید به بخشش خدا از جمله توجیهات مشترک افراد پس از انجام گناه جنسی است. درنهایت نیز تکرار گناهان جنسی موجب کاهش احساس گناه، عادی شدن گناه، لذت‌بخش تر شدن گناه و درنهایت تغییر باورها و ارزش‌های جنسی اولیه در فرد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تجربه گناه، گناه جنسی، روابط جنسی پیش از ازدواج، توجیه خود، پدیدارشناسی تجربی.

* کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی mirabi.saeede@gmail.com

** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد yousofi@um.ac.ir

*** دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد yousofi@um.ac.ir

مقدمه

گناه اساساً مفهومی دینی است و معنای دقیق آن نیز با ارجاع به چارچوب دینی یا شریعت مربوط فهمیده می‌شود. در متون اسلامی، گناه به هرگونه عملی اطلاق می‌شود که فرد با انجام آن از حدود الهی تجاوز کند (طاهر، ۱۳۷۷: ۱۸؛ محمدی اشتهااردی، ۱۳۶۹: ۲). گناه در قرآن در قالب کلمات متعددی همچون "اثم"، "جرم" و "معصیت"، "فسق"، "فجور" و امثالهم بیان شده که هریک ناظر به نوع معینی از نافرمانی خداست (محمدی اشتهااردی، ۱۳۶۹: ۲۲). بسیاری از فقهای شیعه گناهان را از حیث آثار دنیوی و اخروی و مجازات‌هایی که شارع برای انجام آنها منظور کرده به دو نوع "صغیره" و "کبیره" تقسیم می‌کنند (دستغیب، ۱۳۶۹: ۲۶) که گناهان جنسی به‌ویژه "زنا" در زمره گناهان کبیره شمرده شده است. زنا در نزد فقهای شیعه عبارت است از نزدیکی با زنی، در صورتی که عقد ازدواج اعم از دائمی یا انقطاعی یا شبه عقد یا ملک یمین در بین نبوده باشد» (علامه حلی در شرح تبصره به نقل از ماجراجو، ۱۳۸۳: ۱۴).^۱ از نظر اسلام اعمال متعددی زمینه‌ساز انجام گناه زنا هستند که یکی از آنها نگاه به نامحرم است؛ از این‌روست که در قرآن مجید در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور^۲ به "حفظ نگاه از نامحرم" دستور داده شده و در بین فقهای شیعه اجماع وجود دارد که نگاه به هر چیزی و کسی (به غیر از نگاه زن و شوهر به یکدیگر) به قصد شهوت و از روی لذت جنسی حرام است. همچنین اگر ترس آن باشد که فرد در نگاه به کسی یا چیزی، به گناه آلوده می‌شود، نگاه به آن چیز نیز حرام است (کمالی وحدت، ۱۳۸۷: ۶۴؛ بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۷۸). از دیگر دستورات دینی در رابطه با جنس مخالف تحریم "خلوت با نامحرم"^۳، "لمس بدن نامحرم"^۱ و "زنا" است.

^۱ البته در بین فقهای شیعه در تعریف زنا اختلاف وجود دارد؛ چنان‌که برخی مانند شیخ مفید و شیخ طوسی تنها دخول آلت تناسلی مرد در واژن زن را زنا می‌دانند (شریفی خضارتی، ۱۳۸۸: ۱۵۴) ولی برخی دیگر مانند محقق حلی و علامه حلی برقراری رابطه جنسی از طریق مقعد را نیز زنا می‌دانند (محقق حلی، ۱۳۴۳: ۳۵۱).

^۲ «ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها بپوشند و فروج و اندام‌شان را محفوظ دارند که این بر پاکیزگی شما اصلح است و البته خدا به هرچه کنید کاملاً آگاه است (نور، ۳۰). ای رسول زنان مؤمن را بگو تا چشم‌ها بپوشند و فروج و اندام‌شان را محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار نسازند...» (نور، ۳۱).

^۳ طبق فتوای اغلب فقهای شیعه «اگر مرد و زن نامحرم در محل خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد و دیگری هم نمی‌تواند وارد شود، چنانچه بترسند که به حرام بیفتند باید از آنجا بیرون روند» (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۷۸: ۴۲۳).

اهمیت گناه، بیش از همه، از آثار سوء روانی و اجتماعی آن قابل تشخیص است. از منظر جامعه‌شناختی، گناه الزام اخلاقی در فرد را ضعیف می‌کند و سبب آشفتگی اخلاقی در جامعه می‌شود و از این جهت کارکرد "انسجام‌بخش" دین (دورکیم، ۱۹۵۴: ۴۷) و خاصیت "معنابخشی" آن (سیدمن، ۱۳۹۱: ۱۱۵) را مختل می‌سازد. اگرچه این مخاطرات اخلاقی و معنوی متوجه همه گناهان است، گناهان جنسی از این جهت که آثار مخرب روانی و اجتماعی متعددی دارند و به ویژه به تضعیف بنیان خانواده می‌انجامد از اهمیت بیشتری برخوردارند (نورعلیزاده میانجی، ۱۳۸۸؛ کاملی، ۱۳۸۵).

گناه جنسی در مفهوم دینی آن کمتر تحت بررسی تجربی قرار گرفته است، مفهوم نزدیک به آن یعنی "روابط جنسی خارج از ازدواج" مرکز توجه محققان زیادی قرار گرفته است. شارما (۲۰۰۸) در تحقیقی نشان داده که گفتمان جنسی غالب در میان زنان ارضای تمایلات جنسی در چهارچوب زندگی زناشویی است. تحقیقات مختلف نیز نشان داده که مذهب اثر بازدارنده درخور توجهی بر روابط جنسی خارج از ازدواج داشته است (پول، ۲۰۰۰؛ بارکان، ۲۰۰۶؛ یوکر، ۲۰۰۸؛ منلاو، ۲۰۰۶). عوامل متعدد دیگری همچون ارتباط با دوستان (باس، ۲۰۱۰)، محتوای جنسی رسانه‌ها و حمایت آنان از رفتارهای جنسی (لادین انگل و همکاران، ۲۰۰۶)، سبک دلبستگی ناایمن به ویژه ناایمن اجتنابی (سهرابی و رسولی، ۱۳۸۷) و تعهد به روابط عاشقانه (لئونارد و جونز، ۲۰۱۰) نیز بر فعالیت‌ها و روابط جنسی خارج از ازدواج مؤثرند. به‌علاوه، تحقیقات مختلفی نیز درباره اشکال رابطه جنسی پیش از ازدواج انجام گرفته است (وازسونی و جنکینز، ۲۰۱۰). با این حال کمتر تحقیقی یافت می‌شود که تمرکز آن بر تجربه گناه جنسی باشد؛ تحقیقی که در آن افراد در عین گناه‌دانستن روابط جنسی خارج از ازدواج به انجام آن مبادرت ورزیده باشند، هرچند دلایل روشنی نیز برای محدودیت تحقیق در این باره وجود دارد که از مهم‌ترین آنها مخفی و سری بودن گناه جنسی و ترس از افشای آن به ویژه در جوامعی مانند ایران است که ارتکاب به گناهان جنسی با شدیدترین مجازات‌های اجتماعی و قانونی همراه است.

^۱ طبق نظر فقها هر کسی که نگاه کردن به او جایز نیست تماس بدنی با او نیز جایز نیست و هر گونه لمس کردن بدن با هر عضوی باشد حرام است و باید از آن اجتناب کرد مگر از روی لباس بدون قصد لذت و ریه (معصومی، ۱۳۸۰: ۷۳).

نوشتار حاضر درصدد است با تحلیل پدیدارشناختی تجارب گناه جنسی (برقراری رابطه جنسی خارج از ازدواج درعین گناه دانستن آن)، معانی اجتماعی نهفته در این تجارب را آشکار و چگونگی ساخته شدن این معانی را بیان کند.

چارچوب مفهومی گناه

در هر جامعه‌ای فهم معنای اجتماعی گناه در وهله اول مستلزم فهم معنای درون‌دینی آن است. در متون دینی و کتاب‌های مقدس، گناه به معنای نافرمانی و مخالفت با فرمان‌های الهی تلقی می‌شود و متناسب با آن نیز عقوبتی برای گناه‌کار منظور می‌شود. در قرآن گناه با عناوین مختلفی بیان شده که هریک ناظر به نوعی نافرمانی است. مفاهیم معادل گناه در قرآن عبارت‌اند از: ذنب (عمل خلاف دارای مجازات)، معصیت (سرپیچی از فرمان خدا)، إثم (عمل محروم‌کننده از پاداش الهی)، سینه (عمل قبیح و زشت)، جرم (عمل دورکننده از سعادت)، حرام (عمل ممنوع)، خطیئه (گناه غیر عمد یا گناه بزرگ)، فسق (شکستن حریم فرمان الهی)، فساد (تباهی و خروج از اعتدال)، فجور (دریدن پرده حیا و آبرو)، منکر (انکار عقل و فطرت)، فاحشه (عمل و سخن ننگین)، خبط (عمل نامتعادل همراه با سقوط)، شر (زشتی مخالف فطرت)، لَمَم (نزدیکی به گناه)، وزر و ثقل (حمل گناه دیگران)، حنث (پیمان‌شکنی) (محمدی اشتهاردی، ۱۳۶۹). به علاوه، دو مفهوم خوب و جناح (ازبین‌برنده رشد معنوی) نیز دو واژه‌ای هستند که معنای گناه را می‌رسانند (شیرازی، ۱۳۸۶).

هرگاه از گناه سخن گفته می‌شود، شیطان و فریبکاری او هم در کانون توجه قرار می‌گیرد. شیطان مفهوم وسیعی دارد که می‌شود آن را درباب هر موجود طغیان‌گر و فتنه‌انگیز به کار برد. شیطان مظهر فریب و اغوا و عامل فساد و انحراف انسان است (ملک‌احمدی، ۱۳۸۶: ۱۸). حسب برداشتی که از آیات قرآن می‌شود، شیطان در عالم خلقت و تکوین وجود اثری ندارد، و در عالم امر و ملکوت نیز تصرفی ندارد، دایره احاطه و فعلیتش فقط در عالم خلق و جهان دنیاست، آن هم تنها در افکار جن و انس، آن هم نه به نحو اجبار و اضطرار، بلکه به نحو اختیار و وسوسه (ملک احمدی، ۱۳۸۶: ۶۷).

ممکن است هر انسانی دچار گناه و عصیان شود، اما امکان توبه که در دین اسلام مطرح شده است درمان دردهای روحی و علاج امراض روانی و باعث نجات انسان‌ها از خشم و غضب پروردگار و پاک‌کننده انواع آلودگی‌ها است (حقانی، ۱۳۶۵: ۵۸). در آیات قرآن و روایات، توبه به معنای خروج از گناه و بازگشت به خواسته‌های خداوند است (انصاریان، ۱۳۸۶: ۳۸). در متون دینی برای توبه شروطی را در نظر می‌گیرند که از جمله آنها این است که گناه نباید از روی

لجاجت و برتری‌جویی بر خداوند باشد و دیگر اینکه توبه باید قبل از موت و رؤیت سفیر مرگ باشد (علامه طباطبایی به نقل از حسینی، ۱۳۷۲: ۱۸).

گناه در مسیحیت نیز به هر عمل یا فکری گفته می‌شود که برخلاف قاعده اصلی محبت الهی باشد؛ زیرا محبت پایه و اساس حکومت الهی است (زارع‌پور، ۱۳۷۵: ۲۴). در الهیات مسیحی "گناه نخستین" یا ذاتی به دنبال هبوط آدم تعریف شده است. مطابق نظر آگوستین قدیس، انسان‌ها نه به دلیل بدی اعمال خودشان، بلکه تنها بدلیل اینکه از تبار آدم‌اند، ذاتاً گناهکار به دنیا می‌آیند (آزادیان، ۱۳۸۲: ۲۲؛ سخائی، ۱۳۷۹: توکلی، ۱۳۸۴). آگوستین معتقد است آدم و حوا با نافرمانی از خدا کنترل بدن خویش را از دست دادند و آلوده شهوت شدند و با این آلودگی نخستین گناه را مرتکب شدند که هنوز هم همه اعمال نسل آدم را آلوده می‌کند. دقیقاً به دلیل همین پیوستگی میان رابطه جنسی و بقای نسل است که انسان به توده‌ای از خسران بدل شده است (سخائی، ۱۳۷۹: ۳۵). در نظر آگوستین آلودگی شهوت بیش از همه در جهاز تناسلی مشهود است که در خدمت قوه مولده است و آن از طریق جفت‌گیری نر و ماده و لذت تماس که قوی‌ترین انگیزه شهوت است حاصل می‌شود؛ از این رو عفونت گناه اولیه غالباً این سه قوه یعنی مولده، شهویه و لامسه را دربرمی‌گیرد (توکلی، ۱۳۸۴: ۱۴۳-۱۴۴؛ سخائی، ۱۳۷۹). به عقیده آگوستین، مرگ و محنت پیامد گناه و نافرمانی است و شهوت مولود گناه است (توکلی، ۱۳۸۴). در عین حال آگوستین، افزون بر گناه نخستین، از گناهان عملی انسان‌ها یاد می‌کند که در مخالفت با شریعت الهی انجام می‌گیرد (پورسینا، ۱۳۸۵). نکته اساسی در نظریه گناه ذاتی آگوستین، تأکید آن بر "شهوت" به منزله مهم‌ترین جزء سازنده گناه و بر "لذت تماس جنسی" به مثابه مهم‌ترین انگیزه شهوترانی است که مبنایی برای انجام گناهان جنسی است. در نقطه مقابل گناه ذاتی، گناه اختیاری قرار می‌گیرد که معروف‌ترین واضع آن پلاگیوس است. از نظر پلاگیوس، گناه نخستینی در کار نیست؛ فقط گناهکار مجازات می‌شود و هیچ گناهی به اعقاب آدمی منتقل نمی‌شود. خداوند بهشت و دوزخ را از پیش برای انسان مقدر نمی‌کند و هرگز به میل خود معین نمی‌کند که چه کس مشمول رحمت او شود، یا به لعنت گرفتار آید، بلکه انتخاب سرنوشت ما را به خودمان وامی‌گذارد (سخائی، ۱۳۷۹: ۳۵). در نظر ابلارد، نزاع بین حس و عقل ویژگی انسان است که از جانب خدا به او عطا شده است و اگر بگوییم همه به همراه آدم مرتکب گناه شده‌ایم، گناه را به معنای درستش به کار نبرده‌ایم (سخائی، ۱۳۷۹: ۳۶). نکته اساسی در نظریه گناه اختیاری، تأکید آن بر آزادی اراده انسان در انجام عمل خیر یا شر است و گناه و نافرمانی حاصل فعل ارادی اوست و از این رو، ثواب و عقاب عمل او نیز به خود او برمی‌گردد.

کیرکگور^۱ گناه را به معنای "مرگ درونی" یا "نومیدی از خدا" می‌داند. به عقیده وی انسان‌ها در مسیری دیالکتیکی از حالت استحسانی به اخلاقی و سپس دینی تحول می‌یابند (اسکوئیان، ۱۳۸۹) و همان‌گونه که نومیدی برابرنهاد آگاهی استحسانی است، آگاهی از گناه نیز برابرنهاد مرحله اخلاقی است (کاپلستون، ۱۳۸۲: ۳۳۳). به عقیده وی، انجام گناه برای انسان اخلاقی پیوسته با دلهره و ترس همراه است و عبور از این مرحله نیز تنها با پیوستن به خدا ممکن است. نومیدی این امتیاز را دارد که انسان برای عبور از آن ناگزیر است خود را با منشأ نفس مرتبط کند و این سبب آگاهی از خدا می‌شود. در عین حال، نومیدی در انسان استحسانی و اخلاقی مشاهده می‌شود، اما در انسان دینی که با خداوند رابطه دارد این‌طور نیست. هرچند صرفاً رابطه با خدا نومیدی را از بین نمی‌برد و بخشی از نومیدی در گناه و به ویژه گناه نخستین ریشه دارد. به عقیده وی، نومیدی و دلهره هردو با گناه مرتبط‌اند، اما خود گناه نیستند. دلهره حالت قبل از گناه و نومیدی حاصل گناه است. از این منظر، انسان با سه نوع گناه مواجه است: گناه ذاتی که به اعقاب آدمی برمی‌گردد، اولین گناه هر فرد در زندگی و گناهانی که هر فرد در طول زندگی خود مرتکب می‌شود (اسکوئیان، ۱۳۸۹). کیرکگور ریشه گناه را در اراده و اختیار آدمی می‌داند و عقیده دارد دلهره قبل از آگاهی از گناه در انسان حاصل می‌شود. به گفته او: «روح در حالت بی‌گناهی در حالت خوابناکی است و از خود جدا نشده است و هنوز گناه را نمی‌شناسد. اما کشش گنگی در آن هست، اما نه به گناه همچون چیزی معین بلکه برای به‌کاربردن آزادی و بدین‌سان برای امکان گناه. دلهره همان امکان آزادی است» (کاپلستون، ۱۳۸۲: ۳۳۹). بدین ترتیب، دلهره و نومیدی احساساتی هستند که همواره با گناه همراه‌اند؛ دلهره ناشی از امکان آزادی برای انجام گناه و نومیدی نیز احساس پس از گناه است. از منظر پلاچیک، احساس گناه نوعی هیجان مرکب است. در احساس گناه دو جزء اصلی وجود دارد که یکی لذت و دیگری احساس ترس^۲ است و لذت آن مبتنی بر لذت‌های ممنوع است (پلاچیک، ۱۳۶۵: ۱۸۸). علاوه بر این، عنصر سومی هم وارد این ترکیب می‌شود و آن احساس انتظار یا پیش‌بینی است. در چنین مواردی احساس گناه نتیجه ترکیب و آمیزش لذت پیش‌بینی‌شده با ترس پیش‌بینی‌شده است (پلاچیک، ۱۳۶۵: ۱۸۹). احساس گناه وقتی پدید

^۱ Soren Aabye kierkegaard

^۲ ترس واکنشی هیجانی است و از تعبیر انسان مبنی بر اینکه موقعیت خطرناک است و تهدیدی برای سلامتی اوست ناشی می‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۷۶؛ مارشال ریو، ۱۳۷۶: ۳۶۴). در نظر فروید، ترس به سه نوع منطقی، ناپهنجار و اخلاقی تقسیم می‌شود که نوع سوم آن یعنی ترس‌های اخلاقی یا وجدانی، منشأ کاملاً اجتماعی دارند (راه درخشان، ۱۳۸۵: ۱۸۶-۱۸۷) و شاید بتوان گفت ترس موجود در احساس گناه نوعی ترس اخلاقی است.

می‌آید که اجزای ترس و لذت از شدت تقریباً مساوی برخوردار باشند. اگر لذت زیاد و ترس کم یا برعکس ترس زیاد و لذت کم وجود داشته باشد، در این صورت دیگر احساس گناه وجود نخواهد داشت (پلاچیک، ۱۳۶۵: ۱۹۰-۱۹۱).

اینکه احساس گناه با مفهوم مذهبی گناه پیوند بسیار نزدیکی دارد به هیچ وجه اتفاقی نیست. شخصی که از لذت ممنوعی (مثلاً عمل زنا) بهره‌مند شده، مرتکب گناه شده و ممکن است از ترس تنبیه رنج ببرد. همین ترکیب ترس و لذت درباره یک عمل ممنوع احساس گناه را به وجود می‌آورد. علاوه بر این، اگر لذت پیش‌بینی شده دارای آن‌چنان قدرت و وسوسه شدیدی نمی‌بود، دیگر نیازی به تأیید و تنبیه اجتماعی احساس نمی‌شد و در نتیجه احساس گناه به وجود نمی‌آمد. درواقع احساس گناه همچون یک ناظم درونی رفتار عمل می‌کند (پلاچیک، ۱۳۶۵: ۱۸۹).

تجربه احساس گناه در افراد مختلف نتایج متفاوتی دربردارد. افرادی که در احکام ارزشی و هنجارهای اخلاقی خود تا میزان زیاد دارای استقلال و عدم وابستگی هستند اگر برخلاف اصول اخلاقی خویش رفتار کنند، هرچند هم احساس گناه می‌کنند و هم دستخوش اضطراب می‌شوند، عملاً به طور کامل و تمام‌عیار غرق در احساس گناه نمی‌شوند، اما افرادی که در قضاوت‌های خود درباره ارزش‌های اخلاقی مرجع‌گرا هستند، یعنی معتقدات این افراد از نیروی تعقل و فهم و خرد آنها سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه از نیروهایی که آنها را برتر از خود می‌دانند نشئت می‌گیرد، بدترین نوع احساس گناه را تجربه می‌کنند و در این مواقع هیچ نیروی برتر و مقتدر و سالمی در درون آنها وجود ندارد که فرد گناهکار را از احساس بی‌ارزشی متافیزیکی حفظ کند و این افراد از نظر خودشان جز موجودی گناهکار با اعمال بد چیز دیگری نیستند (براندن، ۱۳۷۱: ۲۴۲ - ۲۴۳).

احساس گناه با احساس شرم و خجالت نیز همراه است و برخی احساس گناه و شرم را معادل هم دانسته‌اند. قاضی مرادی (۱۳۸۶) این دو مفهوم را در جامعه ایران یکی می‌داند. ایزارد (۱۹۷۷) نیز خجالت را جزئی از شرم در نظر می‌گیرد و به عقیده گافمن (۱۹۸۹) اگرچه این دو از نظر شدت و ضعف متفاوت‌اند، اما خجالت متفاوت با شرم نیست (ایزارد و گافمن به نقل از خدائپناهی، ۱۳۸۷: ۲۶۴-۲۶۵). اما برخی دیگر از نظریه‌پردازان حس شرم و گناه را از یکدیگر متمایز می‌دانند. آنها حس شرم را علنی‌تر و عمومی‌تر از حس گناه می‌دانند و معتقدند گناه بیشتر تجربه‌ای خصوصی و غیرعلنی است که از عذاب وجدان برمی‌خیزد، اما شرم ناشی از گناه یا خطایی است که در معرض دید دیگران انجام می‌گیرد و ناشی از فشارهای اجتماعی است (گم و شرر، ۱۹۸۸ به نقل از خدائپناهی، ۱۳۸۷). علاوه بر این، شرم و خجالت از نظر میزان

هیجان یا شدت گناه از یکدیگر متمایز می‌شوند. شرم هیجانی شدیدتر از خجالت است. شرم نتیجه شکست‌های جدی‌تر و خطاهای اخلاقی است، درحالی که خجالت به دنبال خطاهای اجتماعی نسبتاً جزئی یا تعامل‌های ناخوشایند به وجود می‌آید (خداپناهی، ۱۳۸۷: ۲۶۴-۲۶۵). اگرچه حس شرم و خجالت بر همه گناهان مترتب است، در مورد گناهان جنسی که مستلزم برقراری "رابطه جنسی" و آمیخته به "رفتارهای شهوانی" است و برخی از اشکال وقوع آن همانند مقاربت جنسی بین زن و مرد ممکن است بعضاً به نتایج برگشت‌ناپذیری همچون حاملگی و تولید مثل بینجامد برجسته‌تر می‌نماید.

از منظر جامعه‌شناختی، گناه یا نواهی مذهبی را می‌توان به‌منزله نوعی انحراف از ارزش‌ها و هنجارهای دینی تلقی کرد، ارزش‌ها و هنجارهایی که خاستگاه دینی دارند و در جامعه پذیرفته شده‌اند و انجام آن وحدت اخلاقی و نظم معنایی جامعه را به خطر می‌اندازد، چنان‌که رابرتسون گناه را باعث برهم‌خوردن هماهنگی داخلی گروه می‌داند (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۷۰). منظور کردن گناه به‌منزله انحراف از هنجارهای دینی جامعه، متضمن این معناست که نقض هنجارهای دینی (فرمان‌های شرعی پذیرفته شده جامعه که ضمانت اجتماعی پیدا کرده‌اند) در فرد منحرف نوعی شرم و خجالت ایجاد می‌کند که این حس شرم بازتاب فشارهای اجتماعی برای بازداشتن فرد از ارتکاب گناه است. در این معنا، گناه جنسی به معنای حس شرم و خجالت ناشی از نقض هنجارهای دینی در تنظیم روابط جنسی است؛ روابطی که درحالت بهنجار یا نهادی‌اش می‌تواند دارای ارزش روان‌شناختی سه‌جانبه‌ای شامل ره‌اشدن از تنش، احساس امنیت (افزایش اعتماد به نفس) و گسترش رضایت باشد (دانیو، ۱۳۸۴: ۲۱-۲۲). علاوه‌براین، گناه جنسی مانند گناهان دیگر از طرفی با احساس ترس ناشی از شکستن حدود دینی و از طرف دیگر با احساس لذتی که مبتنی بر لذت‌های ممنوع است همراه می‌شود و از ترکیب این دو و عنصر سومی به نام احساس انتظار، احساس گناه پدید می‌آید (پلاچیک، ۱۳۶۵).

روش تحقیق

تجربه گناه جنسی (روابط جنسی خارج از ازدواج که انجام آن گناه تلقی می‌شود) به روش پدیدارشناسی تجربی تحت مطالعه قرار گرفته است. براساس این رویکرد، که تأکید آن بر مطالعه نمود واقعیت یا موضوع مجسم‌شده در آگاهی است (موران، ۲۰۰۶: ۶؛ اوی، ۲۰۰۹: ۱) گناه جنسی به همان صورت که در آگاهی مشارکت‌کننده ظاهر می‌شود، تحت بررسی قرار می‌گیرد. در این صورت، هدف اصلی پدیدارشناسی تجربه گناه، کشف ذات پدیده یا معانی نهفته در تجارب زیسته (گناه) افراد است (استارک و برون‌ترینداد، ۲۰۰۷) در نوشتار حاضر پدیدارشناسی تجربی

گناه جنسی از تلفیق الگوی پیشنهادی اسپرس^۱ (۲۰۰۴) و گرانوالد^۲ (۲۰۰۴) انجام گرفته که مشتمل بر هفت مرحله است:

۱. تدوین مسئله گناه جنسی و تعیین هدف پدیدارشناختی گناه که کشف معانی نهفته در تجارب گناه و بر ساخت اجتماعی آن بوده است.
۲. انجام پیش‌مطالعه در باب گناه جنسی که از طریق مصاحبه اکتشافی با دو مشارکت‌کننده، که حاضر به تشریح تجربه گناه خود بوده‌اند، انجام گرفته است.
۳. تدوین چارچوب مفهومی گناه که از دو منظر درون و برون‌دینی به انجام رسیده است.
۴. مطالعه ساخت مرتبه اول گناه جنسی که طی مراحل زیر انجام گرفته است:^۳
 ۱. تعلیق و در پرانتز گذاشتن چارچوب مفهومی گناه؛
 ۲. انتخاب هدفمند مشارکت‌کنندگان که بر این اساس هفت مشارکت‌کننده زن که دارای روابط جنسی خارج از ازدواج بوده‌اند، انتخاب شده‌اند.^۴ شرط انتخاب این بوده که اولاً رابطه جنسی در چارچوب دوستی و از روی اختیار باشد و تن‌فروشی نباشد و ثانیاً افراد با وجود گناه دانستن رابطه جنسی، به انجام آن مبادرت کرده باشند. با توجه به حساسیت موضوع و مشکل دستیابی به نمونه‌ها از روش گلوله‌برفی برای انتخاب مشارکت‌کنندگان استفاده شده است.^۵

^۱ Aspers

^۲ Groenewald

^۳ مراحل مطالعه ساخت مرتبه اول با استناد به مقاله «طرح تحقیق پدیدارشناسی» از گرانوالد (۲۰۰۴: ۲۱-۱۷) نوشته شده است.

^۴ نمونه در تحقیقات کیفی متناسب با مقاصد نظری به صورت هدفمند انتخاب می‌شود و شرط کفایت آن نیز اشباع نظری است (فلیک، ۱۳۸۸؛ فرانکفورد، ۱۳۸۱). تعداد نمونه (مشارکت‌کنندگان) کافی در تحقیقات پدیدارشناختی عموماً بین ۲ تا ۱۰ نفر در نوسان است (گرانوالد، ۲۰۰۴: ۱۱).

^۵ به طور کلی در مطالعه طبقات مختلف انحراف، عنوان‌های حساس یا هنگام دسترسی مشکل به جمعیت‌ها از نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده می‌شود (سفیری، ۱۳۸۷: ۵۹). برای یافتن اولین مشارکت‌کنندگان ابتدا از تعدادی از دانشجویان دختر دانشگاه‌های تهران، سمنان و علوم پزشکی شاهرود درخواست شد تا دوستان خود را که دارای رابطه دوستی با جنس مخالف و حاضر به همکاری در این پروژه هستند به محقق معرفی کنند. پس از شناسایی موارد اولیه محقق طی چندین جلسه گفت‌وگو با هر یک از موارد، اهداف تحقیق را برای آنها شرح داد و گمنامی آنها تضمین کرد. علاوه بر این، در پایان هر مصاحبه از مشارکت‌کنندگان درخواست شد تا اگر با اشخاص دیگری که دارای رابطه جنسی خارج از ازدواج هستند آشنایی دارند آنها را به محقق معرفی کنند. به این ترتیب با ۹ زن دارای رابطه جنسی خارج از ازدواج مصاحبه صورت گرفت که ۲ نفر از آنها اعمال انجام‌شده را حتی در اولین مرتبه گناه ندانسته و بدین ترتیب از فرایند تحلیل کنار گذاشته شدند و اظهارات هفت نفر باقی‌مانده تحلیل شد.

۴.۳. تعیین محورهای مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در زمینه تجربه گناه جنسی که شامل سؤالات کلی درخصوص روابط دوستی با جنس مخالف همچون تعداد و حدود برقراری رابطه، معنای گناه جنسی از منظر مشارکت‌کننده، احساسات همراه با گناه جنسی در قبل، حین و بعد انجام گناه و همچنین تغییر احساسات و نظر مشارکت‌کننده پس از برقراری رابطه مکرر جنسی بوده است؛

۴.۴. انتخاب شیوه مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته با مشارکت‌کنندگان؛

۴.۵. ضبط مصاحبه‌ها و پیاده‌کردن دقیق آنها؛

۴.۶. استخراج و کدگذاری واحدهای معنایی گناه جنسی: در این گام، ابتدا عبارات متن مصاحبه‌ها به صورت تفکیک‌شده در قالب یک پروفایل تنظیم و سپس واحدهای معنایی مربوط در قالب جداول کدگذاری باز تنظیم شده است؛

۴.۷. موضوع و مقوله‌بندی واحدهای معنایی گناه جنسی از طریق کدگذاری محوری و گزینشی متن مصاحبه‌ها: در این مرحله، ابتدا واحدهای معنایی متجانس ذیل یک موضوع^۱ و سپس در سطحی انتزاعی‌تر موضوعات معنایی همگون ذیل یک مقوله کلی تر قرار داده شده‌اند.

۴.۸. استخراج کلی و یگانه از همه مصاحبه‌ها و ایجاد ترکیبی مختصر: در این مرحله، ویژگی‌های تعمیمی و تفریدی تجارب گناه جنسی مشارکت‌کنندگان آشکار شده است.

۵. ایجاد ساخت مرتبه دوم گناه جنسی

ساخت مرتبه دوم گناه جنسی برپایه ویژگی‌های تعمیمی و تفریدی تجارب گناه جنسی مشارکت‌کنندگان و جمع‌بندی آنها صورت گرفته است.^۲

۶. بررسی پیامدهای ناخواسته یا پیش‌بینی‌نشده رفتار مشارکت‌کنندگان

۷. مرتبط‌کردن ساخت مرتبه دوم گناه جنسی با چارچوب مفهومی گناه جنسی

در این مرحله، بین استنتاجات حاصل از پدیدارشناسی تجارب گناه مشارکت‌کنندگان و چارچوب مفهومی گناه ربط منطقی برقرار شده است.

یافته‌ها

هفت مشارکت‌کننده زن که در این نوشتار تجارب گناه جنسی آنها تحت مطالعه قرار گرفته است همگی روابط جنسی خارج از ازدواج را در عین گناه‌دانستن آن تجربه کرده‌اند. این روابط

^۱ Theme

^۲ ایجاد ساخت مرتبه دوم گناه جنسی با الهام از الگوی پدیدارشناختی موستاکس و کراسول (۱۹۹۴) به نقل از محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۷۳ و گرانوالد (۲۰۰۴) انجام گرفته است.

طی پنج مرحله که شامل "آشنایی، گفت و گو، دست هم را گرفتن، معاشقه و همبستری" بوده است، رخ داده است. سن مشارکت کنندگان بین ۲۰ تا ۳۰ سال و همگی مجرد هستند. تعداد دوستان پسر مشارکت کنندگان بین یک تا سه نفر بوده، روابط جنسی دو نفر از آنان در حد معاشقه و پنج نفر دیگر در حد همبستری بوده است. از میان پنج مشارکت کننده‌ای که تجربه همبستری داشته‌اند، چهار نفر باکره بوده‌اند.

واحدهای معنایی نهفته در تجارب گناه جنسی مشارکت کنندگان که از متن مصاحبه با آنها استخراج شده، ذیل سه موضوع کلی که مشتمل بر احساسات قبل، حین و پس از انجام گناه جنسی بوده قرار گرفته و به شرح زیر ارائه می‌شود.

احساسات قبل از گناه جنسی

همه مشارکت کنندگان قبل از برقراری رابطه جنسی و در اولین تجربه گناه^۱ حس مقاومت در برابر گناه، ترس از گناه و سخت بودن انجام گناه را تجربه کرده‌اند. عبارات زیر مبین این سه نوع احساس است:

م^۱ «من سعی می‌کنم مثلاً خودم را گول بزنم شاید که در برابر رفتارهای جنسی دوستم تحریک نشوم (مقاومت در برابر گناه). چون می‌گویم بس است تا همین جا بس است». م^۳ «قبل از برقراری رابطه جنسی یک ترس خیلی عجیبی بود» (احساس ترس قبل از انجام گناه).... م^۴ «اوایل که رابطه جنسی برقرار می‌کردیم خیلی خیلی [با لحن تأکیدآمیز] سخت بود» (سخت بودن انجام گناه).

بر این اساس، مقاومت در برابر انجام گناه، احساس ترس از انجام گناه و سختی روانی در پذیرش گناه از مهم‌ترین احساسات اولیه برای انجام گناه جنسی است.

احساسات حین گناه جنسی

احساسات مشترکی را که حین انجام گناه جنسی ظاهر می‌شود می‌توان ذیل دو موضوع کلی "واکنش‌های جنسی و عذاب‌های درونی" توصیف کرد.

الف) واکنش‌های جنسی

افراد در حین انجام گناهان جنسی با واکنش‌های طبیعی فیزیولوژیکی مشترکی چون «تهییج (برانگیختگی) جنسی، تبادل احساسی، لذت جنسی، لذت عاطفی و احساس رضایت» مواجه شده‌اند.

^۱ برای درک بهتر تجربیات زیسته گناهان جنسی به اولین تجربیات گناهان جنسی مشارکت کنندگان مراجعه شده است.

^۲ «م» علامت اختصاری مشارکت کننده است. برای رعایت شرط گمنامی، مشارکت کنندگان با شماره مشخص شده‌اند.

احساسات تجربه شده حین گناه جنسی بنا به اظهارات مشارکت کنندگان در وهله اول نوعی تهییج یا برانگیختگی جنسی و به دنبال آن لذت جنسی بوده است:

م ۳ «چرا، شاید به خاطر اینکه این گناه گناهی همراه با لذت است، مثلاً شاید غیبت، لذتی برای آدم نداشته باشد... اما شاید همچنین قضیه‌ای برای منی که از لحاظ جنسی داغ هم هستم لذتی هم داشته باشد که مثلاً من بعدش این حس را داشتم (لذت جنسی)...».

به علاوه، رابطه جنسی با مهر و محبت و تبادل عاطفی آمیخته می‌شود و به دنبال خود لذت عاطفی و احساس رضایت را به همراه دارد؛

م ۴ «بین بدن طوری است که خدایی‌اش اگر آدمت هم خوب باشد احساس آن آدم هم محبت آن آدم، همه چیز در رابطه جنسی به تو منتقل می‌شود» (تبادل احساسات حین رابطه جنسی) م ۱ «من خودم بیشتر به این جنبه‌اش فکر می‌کردم که مثلاً پیش کسی‌ام که دوستش دارم (لذت عاطفی از برقراری رابطه جنسی). به این فکر نمی‌کردم که از این رابطه جنسی لذت ببرم... م ۳ بعد از رابطه جنسی هم حس خوب داری (احساس رضایت)...».

بدین ترتیب می‌توان گفت احساس برانگیختگی، تبادل عاطفی و رضایت طرفینی از جمله احساسات مشترک در حین انجام گناه جنسی است، اما همچنان که در ادامه خواهد آمد، این احساسات ناپایدار بوده و بعد از مدتی کوتاه به پشیمانی منجر شده است.

ب) عذاب‌های درونی

از آنجاکه اعمال جنسی مزبور برخلاف باورهای دینی و اخلاقی مشارکت کنندگان بوده است، علاوه بر واکنش‌های جنسی، احساسات عذاب‌آوری نیز برای آنها به همراه داشته است؛ این احساسات شامل حس خجالت، احساس ناراحتی، احساس گناه، ترس از عقوبت خداوند و طرد شدن از جانب او و ترس از فاش شدن گناه است. عبارات زیر از مشارکت کنندگان مختلف مبین این احساسات هستند:

م ۱ «شاید از این کارها حس خجالت داشتم... م ۴ «اوایل که رابطه جنسی برقرار می‌کردیم ناراحت می‌شدم... م ۱ «وقتی دستش را انداخت دور گردنم شاید ته دلم احساس می‌کردم دارم گناه می‌کنم (احساس گناه)... م ۷ «من به خاطر رابطه جنسی که با دوستم داشتم احساس می‌کردم که اگر بمیرم می‌روم جهنم (ترس از عقوبت خداوند)... بدترین حسم که از جهنم هم خیلی بدتر بود این بود که خدا به خاطر رابطه با دوست پسر من ناراحت است (احساس طردشدگی از جانب خداوند)... م ۵ «لان آن یک ذره‌ای هم که رابطه جنسی

داریم با ترس و چه می‌دانم این نفهمد و آن نفهمد و الان فلانی نیاید است! (ترس از فاش شدن گناه نزد اطرافیان)...

احساسات پس از گناه جنسی

احساسات مشترکی را که پس از انجام گناه ظاهر می‌شود می‌توان ذیل سه موضوع کلی "بازاندیشی گناه، فشارهای روانی پس از گناه و کاهنده‌های فشارهای روانی" قرار داد که مطابق شرح ذیل است.

الف) بازاندیشی گناه

بازاندیشی گناه، متضمن دو معنای ارزیابی عمل جنسی و تردید درباره آن است. مشارکت‌کنندگان بعد از انجام گناهان جنسی به ارزیابی و تفکر درباره اعمال خود پرداخته و دچار نوعی تردید شده‌اند که در عبارات ذیل منعکس شده است:

م ۱) «بعد از اینکه رفتم خانه‌شان و معاشقه داشتیم با هم ... رفتم خانه و تا شب روی یک نقطه متمرکز بودم و فکر می‌کردم (ارزیابی و بازاندیشی درباره عمل جنسی)»... م ۴) «من در اولین بارهای رابطه جنسی‌های با خودم در جدال بودم و همه‌اش می‌گفتم که مثلاً این کاری که من الان دارم انجام می‌دهم درست است یا غلط (تردید درباره عمل) یا این کی است که دارد به من نزدیک می‌شود...».

ب) فشارهای روانی

فشارهای روانی از دیگر نتایج انجام گناه است. این فشارها غالباً شامل "احساسات غریب، احساسات ناخوشایند، احساس ناراحتی، احساس خیانت، احساس تحقیرشدگی، احساس پشیمانی و عذاب وجدان" است. در این میان، عذاب وجدان شایع‌ترین احساس پس از گناه جنسی است. اکثر مشارکت‌کنندگان پس از رابطه جنسی دچار احساسات مبهم و ناآشنایی شده‌اند که اولین بار آن را تجربه کرده‌اند:

م ۳) «بعد از رابطه جنسی احساس خیلی خاصی بود؛ مثلاً حسی که همش می‌خواهی ازش فرار کنی ولی نمی‌توانی، بعد یک وقت‌هایی درگیرش می‌شوی (احساسات غریب و مبهم)»... مشارکت‌کنندگان پس از انجام گناهان جنسی دچار این تصور شده‌اند که به خداوند، خانواده، همسر آینده و... خیانت کرده‌اند:

م ۴) «من اوایل که رابطه جنسی شروع کردم همه‌اش می‌گفتم وای پدر و مادرم به من اعتماد کردند، من الان دارم تنهایی می‌روم بیرون؛ یعنی آنها مطمئن‌اند از من و حالا من

کجام؟! (احساس خیانت به خانواده). این من را واقعاً اذیت می‌کرد و عذابم می‌داد... م ۶) «آنچه مرا بیشتر توی این رابطه اذیت کرد این بود که اگر من با این آدم ازدواج نکنم به همسر آینده‌ام خیانت کرده‌ام که چنین رابطه‌ای داشتم (احساس خیانت به همسر آینده). خیانت که فقط به روابط بعد ازدواج مربوط نمی‌شود».

احساس تحقیرشدگی نیز یکی از احساسات شایع پس از انجام گناه جنسی است. باور مشارکت‌کنندگان به ارزش ذاتی بدن زن و لزوم محافظت از آن باعث شده است که روابط جنسی خارج از ازدواج خود را دلیلی بر بی‌ارزشی و تحقیر خود تلقی کنند: م ۳) «بعد از برقراری رابطه جنسی به‌خصوص وقتی که به هم نرسیدیم (ازدواج نکردیم) احساس کردم بی‌ارزش شد وجودم...».

درنهایت پس از انجام گناهان جنسی نوعی عذاب وجدان بر افراد غالب می‌شود: م ۵) «ولی بعد از چندبار برقراری رابطه جنسی با دوست پسرم واقعاً (با تأکید) یعنی به خدا اینقدر عذاب وجدان می‌گرفتم که حد ندارد».

ج) کاهنده‌های فشارهای روانی

روان‌شناسان بر این باورند که دستگاه روانی انسان در مقابله با فشارهای روانی راهکارهایی را برمی‌گزیند. کاهنده‌های مشترک مشارکت‌کنندگان «گریه، توبه، ترک گناه و توجیه خود» است که همگی حاکی از «حس پشیمانی» است. گریه یکی از راهکارهای طبیعی روان انسان برای تخلیه فشارهای روانی است. مشارکت‌کننده ۴ در این باره می‌گوید:

«اگر بعد از رابطه جنسی ناراحت نمی‌شدم، بعدش که از پیش دوست پسرم بیرون می‌آمدم گریه می‌کردم...».

گفتنی است که راهکارهای روانی به‌کارگرفته‌شده از باورهای دینی و فرهنگی هر فردی متأثر است و توبه و ترک گناه دو راهکار دینی ارائه‌شده برای خلاصی از آثار سوء گناه هستند. مشارکت‌کننده ۱ درخصوص توبه بعد از معاشقه خود می‌گوید:

«بعد از بار سوم که رفتم خانه‌شان و رابطه‌مان بیشتر پیش رفت به خانه که آمدم واقعاً گفتم خدایا ببخشید غلط کردم ببخشید (توبه بعد از انجام گناه)... خدایا...».

کاهش فشارهای روانی بعد از انجام گناهان جنسی تنها به گریه، توبه و اظهار ترک گناه خلاصه نمی‌شود. یکی از مهم‌ترین واکنش‌ها در این زمینه «توجیه خود» است.^۱ (اروسون،

^۱ توجیه خود را لئون فستینجر در نظریه‌ای به نام «ناهماهنگی شناختی» مطرح کرده است. ناهماهنگی شناختی اساساً حالتی از تنش است که از داشتن دو شناخت (پندارها، نگرش‌ها، باورها، عقاید) هم‌زمان که از نظر

۱۳۶۹: ۱۰۲). توجیه خود می‌تواند فرد را از تعارض‌های روانی ناشی از انجام گناه برهاند و امکان ادامه اعمال گناه‌آلود را برای فرد فراهم کند. **صیغه خواندن، قصد ازدواج و امید به بخشش خدا**، توجیهات مشترکی است که ازسوی برخی مشارکت‌کنندگان برای گناهان جنسی آورده‌اند. درباره صیغه باید گفت هرچند صیغه راهکاری مذهبی برای جلوگیری از گناه جنسی است، سه مشارکت‌کننده‌ای که قبل از ارتباط جنسی، صیغه خوانده بودند همچنان (البته با شدت کمتر) عمل خود را گناه تلقی می‌کردند و صیغه را توجیهی برای اعمال خود می‌دانستند؛ مثلاً مشارکت‌کننده ۲ می‌گوید:

«من و دوست پسر من با هم زندگی می‌کردیم، یعنی با هم بودیم. خیلی با هم بودیم؛ یعنی صبح می‌رفتیم شب برمی‌گشتیم. به من گفتش که من نمی‌خواهم رابطه‌مان گناه باشد، بیا صیغه بخوانیم ... خودمانیم، یک وقت‌هایی گول می‌زنیم خودمان را توجیه می‌کنیم و من به دوست پسر من گفتم صیغه اینجوری است. ... بین خودمان صیغه خواندیم...».

از دیگر توجیهاتی که مشارکت‌کنندگان برای گناهان خود آورده‌اند این است که با طرف مقابل قصد ازدواج دارند، پس رابطه آنها گناه محسوب نمی‌شود:

«م ۱) «من شاید توی این دوستی که خودم دارم توی این یک‌سال به یک حد اطمینانی رسیدم که احساس کردم ما مال همیم و قرار است ازدواج کنیم و مثلاً این اطمینان به من این اجازه را داده که همچین رابطه‌ای (معاشقه) هم داشته باشم» (قصد ازدواج توجیه‌کننده رابطه جنسی)...»

از طرفی امید مشارکت‌کنندگان به بخشنده‌گی خداوند توجیهی برای ادامه گناهان بوده است. مشارکت‌کننده ۶ می‌گوید:

«از طرفی درست که من می‌دانم این کارها گناه است، اما این فکر را دوست پسر من انداخت تو سرم که ما اگر ازدواج کنیم خدا گناه‌همان را می‌بخشد انجام این کارها را برای من راحت‌تر کرد. می‌گویم خدا می‌بخشد دیگر» (بخشش گناه جنسی در صورت ازدواج کردن)... .

روان‌شناختی نامتجانس هستند حاصل می‌شود. به دیگر سخن، دو شناخت در صورتی با هم ناهماهنگ‌اند که تنها این دو شناخت مورد نظر باشند و نقیض یکی از دیگری نتیجه شود. از آنجا که پیدایش حالت ناهماهنگی شناختی ناخوشایند است، مردم برای کاهش آن سائق برانگیخته می‌شوند (اروسون، ۱۳۶۹: ۱۰۴-۱۰۵) ... و اغلب بهترین طریق برای کاهش ناهماهنگی نپذیرفتن یا تحریف آن شواهد است. هرچه تعهد شخص به نگرشی بیشتر باشد، تمایل او برای نپذیرفتن شواهد مغایر و ناهماهنگ بیشتر خواهد بود (اروسون، ۱۳۶۹: ۱۰۸).

پیامد تکرار گناهان جنسی

پیامد تکرار گناهان جنسی در افراد مشارکت‌کننده «کاهش احساس گناه اولیه» و «تغییر ارزش‌های جنسی اولیه» افراد پس از تکرار گناهان جنسی است.

الف) کاهش احساس گناه اولیه در تکرار گناهان جنسی

احساسات اولیه فرد بعد از تکرار دو یا سه‌باره گناهان جنسی تغییر کرده و انجام گناه برای افراد هم آسان‌تر و هم لذت‌بخش‌تر شده است. آسان‌تر شدن انجام گناه به واسطه عادی‌تر شدن آن و کاهش احساس گناه اولیه اتفاق افتاده است.

م ۳) «بعد واقعاً من توی عمل جنسی عادی‌شدن گناه را متوجه شدم (عادی‌تر شدن انجام گناه)، اینکه گناه برای آدم عادی می‌شود. یکی که یک بار برود دزدی، دفعات بعد برایش عادی می‌شود؛ همیشه می‌گفتم مگر می‌شود، ولی آنجا بود که فهمیدم که راست است...».

از پیامدهای دیگر تکرار گناه جنسی «افزایش لذت جنسی» و «تمایل‌شدن به گناهان جنسی» است و نشان‌دهنده این است که تجربه عذاب‌آور گناهان جنسی به مرور زمان از بین می‌رود و احساسات ناشی از واکنش‌های جنسی اجازه ظهور می‌یابند. مشارکت‌کننده ۷ می‌گوید: «الان بعد از چندبار تجربه، رابطه جنسی برای من پروسه لذت‌بخشی شده... بعد از یک مدت رابطه جنسی با جنس مخالف چیزی شد که بخوایم بیشتر و بیشتر به دستش بیاورم (تمایل به داشتن بیشتر رابطه جنسی)...».

ب) تغییر ارزش‌های اولیه جنسی با تکرار گناهان جنسی

مشارکت‌کنندگان اظهار کرده‌اند تکرار گناهان جنسی موجب ازدست‌دادن باورهای مذهبی درباره گناه‌بودن اعمال یا تغییر ارزش‌های جنسی اولیه فرد نیز شده است:

م ۱) من قبلاً در مورد دوستانم که دوست پسر داشتند می‌گفتم نه خیلی دخترهای بدی هستند اینها و واقعاً این حس را بهشان داشتم، ولی حالا دوستی را گناه نمی‌دانم» (تغییر ارزش‌های جنسی پس از برقراری رابطه با جنس مخالف). م ۴) «من اوایل رابطه‌مان رابطه جنسی را بسیار بسیار گناه می‌دانستم ولی الان نه گناه نمی‌دانمش...» (تغییر ارزش‌های جنسی پس از برقراری رابطه با جنس مخالف)...

بحث و نتیجه‌گیری

گناه جنسی به معنای برقراری روابط جنسی خارج از پیمان شرعی ازدواج است، رابطه‌ای که متضمن نقض هنجارهای دینی در تنظیم رابطه با جنس مخالف بوده و عامل به گناه از نقض

فرمان دینی در برقراری رابطه جنسی آگاه است. تجربه گناه جنسی تجربه‌ای منحصربه‌فرد است که با نوعی احساس شرم ناشی از نقض هنجارهای جنسی دینی همراه است. این تجربه با احساس ترس و لذت و به تبع آن احساس گناه (پلاچیک، ۱۳۶۵)، برانگیختگی جنسی، لذت جنسی و لذت عاطفی، رهاسدن از تنش، احساس امنیت و گسترش رضایت همراه است (دانیانو، ۱۳۸۴). تحلیل پدیدارشناختی تجارب جنسی هفت مشارکت‌کننده زن که درعین گناه دانستن روابط جنسی خارج از پیمان ازدواج آن‌را انجام می‌داده‌اند نشان داد که:

- گناه جنسی که ابتدا از یک آشنایی و گفت‌وگوی ساده با جنس مخالف شروع می‌شود در فاصله کوتاهی به معاشقه و همبستری می‌انجامد.

- قبل از انجام گناه و در اولین تجربه گناه، حس مقاومت در برابر گناه، ترس از گناه و سخت‌بودن انجام گناه تجربه می‌شود.

- درحین انجام گناه و در نتیجه برانگیختگی جنسی، لذت جنسی، لذت عاطفی و خشنودی اولیه حاصل می‌شود، لکن حس گناه این لذتها را به حس عذاب‌آوری تبدیل می‌کند. حس خجالت، ناراحتی و ترس (ترس از عقوبت خداوند و فاش‌شدن گناه) ازجمله احساسات حین گناه است.

- پس از انجام گناه، بازاندیشی و تردید درباره عمل گناه به وجود می‌آید و به دنبال آن، فشار درونی و ندامت ظاهر می‌شود. این فشارها به صورت احساسات غریب، ناخوشایند، ناراحتی، خیانت، تحقیرشدگی، پشیمانی و عذاب وجدان خود را نشان می‌دهد که عذاب وجدان شایع‌ترین آنهاست.

- عذاب وجدان پس از گناه سبب می‌شود که اغلب افراد برای کاهش این فشار به توبه، انابه و توجیه خود رو آورند. صیغه‌خواندن، ابراز قصد ازدواج و امید به بخشش خدا ازجمله توجیه‌های مشترک افراد پس از انجام گناه جنسی است. درواقع در تجربه گناه جنسی تعارض میان باورهای دینی و کشش درونی فرد برای انجام گناه نهفته است و چون این تعارض برای فرد عذاب‌آور است، افراد با توجیه عمل خود، سعی در رفع عذاب ناشی از آن می‌کنند (فستینگر به نقل از اروسون، ۱۳۶۹)، به‌علاوه، توبه بخشی از جامعه‌پذیری دینی است که به رهایی از عذاب‌های دورنی می‌انجامد (حقانی، ۱۳۶۵). اغلب مشارکت‌کنندگان به این راهکار برای کاهش تنش‌های روانی بعد از گناه متوسل شده‌اند. این راهکار تا حدود زیادی از احساس ناامیدی پس از گناه نیز می‌کاهد.

نهایتاً تکرار گناهان جنسی هم به کاهش احساس گناه، عادی‌تر شدن گناه و افزایش لذت‌بخشی رابطه جنسی کمک می‌کند و هم در درازمدت تغییر ارزش‌های جنسی اولیه را به

همراه دارد. فلاسفه‌ای چون هابز، کانت، فیخته، بیکن، فوکو، دریدا، هابرماس و ... معتقد هستند که گناه یا به تعبیر برخی، خطای اخلاقی، شناخت انسان از جهان هستی را مخدوش می‌کند (ملکیان، ۱۳۸۷: ۸۵).

نیاز جنسی طرفین، وابستگی عاطفی زن و ترس از دست دادن رابطه در زن از جمله دلایل تکرار رابطه جنسی با وجود گناه دانستن آن و عذاب‌های ناشی از آن است که مشارکت‌کنندگان بیان کرده‌اند. نتایج تحلیل نشان می‌دهد از آنجاکه برآورده شدن نیاز جنسی مشارکت‌کنندگان و شرکای جنسی مجرد آنها در نهاد خانواده امکان‌پذیر نبوده است، مشارکت‌کنندگان به رابطه جنسی خارج از ازدواج و تکرار آن با وجود گناه دانستن آن اقدام کرده‌اند.

نتایج دیگر تحقیقات نیز نشان‌دهنده آن است که جامعه ایران در چندسال اخیر شاهد رشد روابط جنسی پیش از ازدواج بوده است (سلیمی‌نیا و دیگران، ۱۳۸۴؛ گرم‌رودی و دیگران، ۱۳۸۸؛ خلج آبادی فراهانی و مهریار، ۱۳۸۹؛ به نقل از آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۰). در توضیح این تغییرات می‌توان گفت ایران در سال‌های اخیر با تغییرات اجتماعی آرام ولی گسترده‌ای روبه‌رو بوده است. با گسترش امکانات جدید ارتباطی، جامعه ایران به تدریج با امواج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه شده است. اشتغال ناپایدار، بیکاری و ناامنی اقتصادی موجب مشکلات اقتصادی، ترس از ازدواج و به تأخیر افتادن سن ازدواج جوانان شده است. در نتیجه این اوضاع، موانع زیادی بر سر راه ازدواج که یگانه راه مشروع ارضای نیازهای جنسی در ایران است ایجاد شده و موجب گرایش جوانان به روابط جنسی خارج از ازدواج و به تبع آن تغییر الگوهای غالب روابط جنسی شده است. علاوه بر این، میزان بالای بیکاری در میان جوانان تحصیل‌کرده موجب افزایش افسردگی و احساس انومی در آنها شده و احساس انومی به شکل‌گیری ارزش‌های جدید در میان بخشی از جوانان جامعه منجر شده است. درواقع، تغییرات نظام ارزشی و تغییر ساختار اقتصادی ایران به تدریج زمینه را برای بروز الگوهای جدیدی از رفتارهای جنسی در میان بخشی از جوانان ایرانی فراهم کرده است (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۰). در پایان، نمی‌توان از نظر دور داشت که معانی نهفته در تجربه گناه به ویژه گناه جنسی در ایران به دلیل مخفی و سری بودن و فشارهای روانی و اجتماعی ناشی از افشای آن، به تابوی پژوهشی تبدیل شده و معانی اجتماعی آن ناشناخته باقی مانده است. از طرفی، شیوع این پدیده در جامعه و نتایج سوء روانی و اجتماعی آن، مطالعات معناکاوانه گناه را اجتناب‌ناپذیر کرده است و تحقیقاتی از این قبیل در ایران، از نخستین تلاش‌ها برای شکستن این نوع تابوهای پژوهشی است.

منابع

- اروسون، الیوت (۱۳۶۹) *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حسین شکرکن، تهران: رشد.
- اسکوئیان، عباس (۱۳۸۹) «مرگ، نومیدی و ایمان در اندیشه کرگور»، *پژوهش‌نامه فلسفه دین (نامه حکمت)*، سال هشتم، شماره ۲: ۷۵-۱۰۶.
- انصاریان، حسین (۱۳۸۶) «توبه»، *مجله اصلاح و تربیت*، شماره ۶۳: ۳۸-۳۹.
- آزادامکی، تقی و همکاران (۱۳۹۰) «سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران»، *مجله جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال دوم، شماره ۲: ۱-۳۴.
- آزادیان، مصطفی (۱۳۸۲) «علامه طباطبایی و آموزه گناه نخستین»، *مجله معرفت*، شماره ۷۴: ۲۲-۲۷.
- براندن، ناتانیل (۱۳۷۱) *روان‌شناسی حرمت نفس*، ترجمه جمال هاشمی، تهران: سهامی انتشار.
- بنی‌هاشمی خمینی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۸) *توضیح‌المسائل مراجع*، جلد ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- پلاچیک، روبرت (۱۳۶۵) *هیجان‌ها*، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- پورسینا، زهرا (میترا) (۱۳۸۵) *تأثیر گناه بر معرفت با تکیه بر آرای آگوستین قدیس*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- توکل، غلامحسین (۱۳۸۴) «گناه اولیه»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، سال ۴۸، شماره ۱۹۴: ۱۳۵-۱۶۸.
- حسن‌زاده، رمضان (۱۳۸۶) *انگیزش و هیجان*، تهران: ارسباران.
- حسینی، سیدعلی (۱۳۷۲) «توبه و جایگاه آن در عرفان»، *مجله معرفت*، شماره ۷: ۱۵-۱۹.
- حقانی، حسین (۱۳۶۵) «توبه در اسلام و مسیحیت»، *مجله درس‌هایی از مکتب اسلام*، سال ۲۶، شماره ۸: ۵۷-۵۹.
- خداپناهی، محمد کریم (۱۳۸۷) *انگیزش و هیجان*، تهران: سمت.
- دانیلو، آندره مورالی (۱۳۸۴) *جامعه‌شناسی روابط جنسی*، ترجمه حسن پویان، تهران: توس.
- دستغیب، سید عبدالحسین (۱۳۶۹) *گناهان کبیره*، تهران: ناس.
- راه درخشان، محمد (۱۳۸۵) «ترس و شخصیت فردی و اجتماعی»، *مجله سمرقند*، شماره ۱۳ و ۱۴: ۱۸۵-۱۹۲.
- زارع‌پور، اسماعیل (۱۳۷۵) *گناه نخستین (هبوط حضرت آدم (ع) در تورات، انجیل، قرآن و عرفان اسلامی)*، مشهد: آستان قدس رضوی.

سخایی، مژگان (۱۳۷۹) «نظریه گناه نخستین در مسیحیت»، *مجله ندای صادق*، شماره ۱۹: ۳۹-۳۳.

سفیری، خدیجه (۱۳۸۷) *روش تحقیق کیفی*، تهران: پیام پویا.
سهرابی، فرامرز و فاطمه رسولی (۱۳۸۷) «بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازنشویی در بین زنان بازداشت‌شده در مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی شهر تهران»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال چهارم، شماره ۱۴: ۱۳۳-۱۴۳.

سیدمن، استیون (۱۳۹۱) *کشاکش آراء در جامعه‌شناسی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
شریفی خضارتی، امیر (۱۳۸۸) *انحرافات جنسی (مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی و فقهی)*، تهران: اندیشه عصر.

شیرازی، رضا (۱۳۸۶) «گناه در قرآن»، *مجله رشد (آموزش قرآن)*، دوره پنجم، شماره ۲: ۲۴-۳۱.
طاهر، عباس (۱۳۷۷) *گناه از نگاه قرآن*، ترجمه حمیدرضا آژیر، مشهد: آستان قدس رضوی.
علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۳۹) *شرح تبصره آیت الله علامه حلی قرن ۸*، تهران: دانشگاه تهران.
فرانکفورد، چاوا و دیوید نجمیاس (۱۳۸۱) *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*، ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضل، تهران: سروش.

فیلک، اووه (۱۳۸۸) *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۶) *در ستایش شرم (جامعه‌شناسی حس شرم در ایران)*، تهران: اختران.

کاپلتسون، فردریک (۱۳۸۲) *تاریخ فلسفه، جلد هفتم: از فیثته تا نیچه*، ترجمه داریوش آشوری، تهران: علمی و فرهنگی.

کاملی، سیده فاطمه (۱۳۸۵)، «پاکدامنی زن، آرامش روانی مرد، چالش‌ها و پیامدها»، *فصلنامه بانوان شیعه*، سال سوم، شماره ۱۰: ۱۷۷-۱۹۶.

کمالی وحدت، یاسین (۱۳۸۷) *نگاه پاک (بررسی نگاه به نامحرم، مرزها و آثار آن)*، قم: مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

ماجراجو، محسن (۱۳۸۳) *روابط نامشروع دختران و پسران*، تهران: فرهنگ مشرق زمین.
مارشال‌ریو، جان (۱۳۷۶) *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: شادی.
محقق حلی (۱۳۴۳) *مختصر منافع*، ترجمه فارسی از قرن هفتم، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

محمدپور، احمد (۱۳۹۰) *روش تحقیق کیفی ضد روش (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*، جلد اول، تهران: جامعه‌شناسان.

محمودی اشتهاردی، محمد (۱۳۶۹) *گناه‌شناسی: درس‌هایی از قرآن از استاد محسن قرائتی*، تهران: پیام آزادی.

معصومی، سید مسعود (۱۳۸۰) «احکام روابط زن و مرد»، کتابخانه الکترونیکی فارسی تبیان.
ملک‌احمدی، علی‌اصغر (۱۳۸۶) *شیطان کیست*، اصفهان: شهید حسین فهمیده.
ملکیان، مصطفی (۱۳۸۷) «اندیشه: تأثیر گناه در شناخت انسان سنتی و متجدد»، *مجله آیین*، شماره ۱۹ و ۲۰: ۸۴-۸۷.

نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۸۸) «مدل اسلامی مصون سازی رفتار جنسی با تأکید بر پیشگیری و درمان انحراف‌ها و مشکلات جنسی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال سوم، شماره پنجم: ۱۰۷-۱۴۲.

- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷) *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبیان.
- Aspers, P. (2004) "Empirical Phenomenology an Approach for Qualitative Research", *Social Research Methods Qualitative Series*, 9: 1-15.
- Barkan, E. Steven (2006) "Religiosity and Premarital Sex in Adulthood", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 45 (3): 407-417.
- Busse, P., Fishbein, M., Bleakley, A. (2010) "The Role of Communication with Friends in Sexual Initiation", *Communication Research*, 37 (2): 239-255.
- Durkheim, E. (1954) *The Elementary forms of Religious Life*, New York: The Free Press.
- Groenewald, Th. (2004) "A Phenomenological Research Design Illustrated", *International Journal of Qualitative Methods*, 3 (15): 42-55.
- Henry, S. (2009) *Short Introductions Social Deviance*, Cambridge: Polity Press.
- L'Engle, KL., Brown, J D., Kenneavy, K. (2006) "The Mass Media are an Important Context for Adolescents' Sexual Behavior", *Journal of Adolescent Health*, 38: 186-192.
- Leonard, Kathleen Cobb & Scott-Jones, Diane (2010) "A Belief-Behavior Gap? Exploring Religiosity and Sexual Activity among High School Seniors", *Journal of Adolescent Research*, 25 (4): 578- 600.

Manlove, Jennifer, S. Terry-Humen, E. Ikramullah, Erum N. Moore, Kristin A. (2006) "The Role of Parent Religiosity in Teens' Transitions to Sex and Contraception", *Journal of Adolescent Health*, 39: 578-587.

Moran, D. (2000) *Introduction to Phenomenology*, London: Rutledge.

- Paul, Ch., Fitzjohn, J., Eberhart-Phillips, J., Herbison, P., Dickson, N. & et al (2000) "Sexual Abstinence at Age 21 in New Zealand: The Importance of Religion", *Social Science & Medicine*, 51 (1): 1-10.
- Sharma, S. (2008) "Young Women, Sexuality and Protestant Church Community: Oppression or Empowerment?", *European Journal of Women's Studies*, 15 (345): 345-359.
- Sion, Avi (2009) *Phenomenology: Basing Knowledge on Appearance*, Geneva: Avi Sion.
- Starks, H., Brown Trinidad, S. (2007) "Choose Your Method: A Comparison of Phenomenology, Discourse Analysis, and Grounded Theory", *Qualitative Health Research*, 17 (10): 1372-1380.
- Uecker, Jeremy E. (2008) "Religion, Pledging, and the Premarital Sexual Behavior of Married Young Adults", *Journal Of Marriage and Family*, 70: 728-744.
- Vazsonyi, Alexander T, Jenkins, Dusty D (2010) "Religiosity, Self-Control, and Virginity Status in College Students from the "Bible Belt": A Research Note", *Journal for the Scientific Study of Religion*, 49 (3): 561-568.